

کتاب‌شناسی توصیفی و گزینشی الاهیات آزادی‌بخش

مجتبی نماینده نیاسر*

احسان قدرت‌اللهی**

چکیده

الاهیات آزادی‌بخش محصول اندیشه‌ورزی و تلاش‌های علمی و عملی متألهانی است که رهایی انسان به استثمارکشیده‌شده آمریکای لاتین در نیمه دوم قرن نوزدهم را طلب می‌کردند. این جریان الاهیاتی مانند هر مکتب و نحله فکری در عالم مسیحیت، فراز و فرودهایی داشته است. اکنون که بیش از نیم قرن از شکل‌گیری آن می‌گذرد و تب و تاب انقلابی متألهان آزادی‌بخش فروکش کرده است، این امکان فراهم آمده تا به صورتی روشن‌تر اهداف و آرمان‌های این نهضت را بر پایه آثار فراوانی که در این زمینه به نگارش درآمده، به بحث بگذاریم. در این جستار پس از اشاره اجمالی به تاریخچه الاهیات آزادی‌بخش خواهیم کوشید ابتدا آن را به مثابه یک مکتب معرفی کرده، سپس ابعاد آن را در قالب عناوینی چون خداشناسی، مسیح‌شناسی، کلیساشناسی، هرمنوتیک، عدالت اجتماعی و ... مطرح کنیم. روش کار ما نخست تبیین موضوع، سپس معرفی توصیفی یک اثر مهم در آن زمینه، و دست آخر عرضه کتاب‌شناسی گزینشی درباره هر موضوع خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، الاهیات آزادی‌بخش، کتاب‌شناسی، گوستاو گوتی‌یرز، آمریکای لاتین.

* دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، گرایش الاهیات مسیحی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

** استادیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان.

۱. تاریخچه الاهیات آزادی‌بخش

آمریکای لاتین، نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی، اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اسفباری داشت. در نظر متألهان منتقد و ترقی‌خواه، فقر، فساد، بیکاری و فاصله طبقاتی محصول مثلث شوم دولت، استعمار و کلیسا بود. اینان کلیسا را شریک جرم استعمارگران آمریکایی و دولت‌های دست‌نشانده دیکتاتور منطقه می‌دانستند و آشکارا سیاست‌های کلیسایی را نقد می‌کردند. در ادبیات دینی و مطبوعات دیداری، شنیداری و نوشتاری این دوره، به نمونه‌های بسیاری از این انتقادات برمی‌خوریم، برای نمونه «خوان گارسیا الوریو» دبیر کل جنبش کاملیو تورز در ژانویه ۱۹۶۸ به پاپ پل ششم نوشت: «شما با دشمنان خلق متحد شده‌اید و از دیدگاه توده مردم و خلق ستم‌دیده، روحانیت و کلیسا برای هیچ و پوچ طرفدار خوانین و هواخواه نظامی‌گران و سرسپرده امپریالیسم نیست. نود درصد مردم آمریکای لاتین چنین می‌اندیشند» (یوسفیان، ۱۳۶۸: ۳۰).

این انتقادات و اصلاح‌جویی‌ها به شکل‌گیری طبقه‌ای از روحانیان دینی منجر شد، که به عنوان روحانیت ترقی‌خواه در شوراهای کلیسایی جهانی و منطقه‌ای آن دوره تأثیر گذاردند و هسته اولیه متألهان آزادی‌بخش را به وجود آوردند. از پیش‌قراولان الاهیات آزادی‌بخش می‌توان به کسانی چون، گوستاو گوتی‌ریز (Gustavo Gutierrez)، لئوناردو بوف (Leonardo Boff)، جان سوبرینو (Jon Sobrino) و ژوان لئوئیز سگوندو (Juan Luis Segundo) اشاره کرد.

این گروه‌ها با ایده‌ها و نظرات گهگاه متفاوت، اهداف مشترکی را دنبال می‌کردند. نقش‌آفرینی پیامبران روحانیان دینی در اصلاح جامعه، گزینش ترجیحی فقرا، لزوم اصلاح ساختار و سیاست‌های کلیسایی به نفع طبقات محروم، ایجاد گفتمان اصلاح‌جویانه و گاه انقلابی از مسیحیت، پیوند بین دین و سیاست و لزوم موضع‌گیری کلیسا در رخدادها و حوادث سیاسی-اجتماعی و ... برخی از این اهداف بود. هسته اولیه متألهان آزادی‌بخش گرایش‌های انقلابی بیشتری داشتند و برخی از آنها حتی به جنبش‌های چریکی پیوستند و اصلاح جامعه را در مبارزات نظامی جستند. کاملیو تورس یکی از این افراد بود. او در بیان شیوه عملی خود می‌گفت:

من مبارزه قهرآمیز را برگزیدم، زیرا برای برافکندن نظام واپس‌گرای استثمارگر در کلمبیا و کشورهای دیگر آمریکای لاتین، راهی جز طغیان انقلابی و آزادی‌بخش وجود ندارد. من معتقدم رسالت دینی من، که همانا فداکاری کامل در راه زندگی دیگران است، هم‌اکنون آغاز شده است (همان: ۵۰).

با فروکش کردن تب انقلابی نسل اول آزادی‌خواهان و لزوم هر چه بیشتر اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی‌های الاهیاتی، طبقه‌ای از کشیشان، اسقف‌ها، متألهان و شخصیت‌های آکادمیک به وجود آمدند که باورهای بنیادین مسیحیت را در پرتو قرائت آزادی‌بخش تبیین و تفسیر کردند. «گوستاو گوتی‌یرز» پیش‌گام این گروه بود که کتاب *Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation* را در ۱۹۷۱ نگاشت و به عنوان پدر معنوی الاهیات آزادی‌بخش شهرت یافت. تأملات و اندیشه‌ورزی‌های گوتی‌یرز در دوره‌ای بود که جریان‌های مارکسیستی رونق و مشتری بسیاری در آمریکای لاتین و به خصوص کشور پرو، زادگاه وی، داشتند. از این‌رو می‌توان او را نماینده قرائتی از مسیحیت کاتولیک دانست که آرمان شهر خود را در پیوند بین مسیحیت و سوسیالیسم می‌دید.

متألهان آزادی‌بخش، که تحلیل‌های اجتماعی مارکسیستی را وام گرفته بودند و استفاده از مارکسیسم را ابزار می‌پنداشتند و تمام نقدهای واتیکان و منتقدان لیبرال با مضمون خشونت‌طلبی، انقلابی‌گری، مارکسیستی بودن و ... را به جان می‌خریدند، پس از سقوط نظام سوسیالیستی شوروی، ضربه سختی خوردند و این واقعه تاریخی سبب شد نسخه عملی این مکتب الاهیاتی به شدت ناکارآمد جلوه کند (عسگری، ۱۳۸۸: ۱۲۰). پس از آن بود که اینان کمتر بر ایده‌های عدالت‌خواهانه سوسیالیستی تأکید داشتند، و بیشتر کوشش خود را صرف موضوعاتی چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان، محیط زیست و ... کردند. برخی این تغییر اولویت‌ها را هم‌سو با سیر تکاملی الاهیات آزادی‌بخش تلقی می‌کنند:

الاهیات آزادی‌بخش در مسیر تکوین و پیشرفت خود، علاوه بر مسائل داخلی به مسائل جهانی، چون بحران محیط زیست، اخلاق زیست‌محیطی، تروریسم، بیکاری، فقر و ... نیز توجه نشان داد و هم‌زمان با پیشرفت‌ها و تحولات

وسیعی که در سطح جهان صورت گرفت، رهبران و علمای دینی نهضت الاهیات آزادی‌بخش نیز گستره بحث‌ها و بررسی‌های خود را بسط و تعمیق بخشیدند، رهبران جنبش به موضوعات جهانی‌سازی و نظام سرمایه‌داری، توجهی جدی نشان دادند و ابراز داشتند که این پدیده‌ها باعث تقویت و وخیم‌تر شدن فقر، مشکلات فقرا و شکاف و تضاد طبقاتی شده است. آنها گویبی متفاوت از جهانی شدن را ارائه و دنبال می‌کنند که جهانی شدن صلح، عدالت، عشق، انسانیت و مساوات اقتصادی است (اکرمی، ۱۳۸۶: ۶۸).

۲. الاهیات آزادی‌بخش به مثابه یک مکتب

در بررسی مبانی فکری، الاهیاتی، کلامی، فلسفی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و اجتماعی - سیاسی الاهیات آزادی‌بخش، یکی از بهترین الگوها، تعریفی است که زنده‌یاد علی شریعتی از مکتب به دست می‌دهد. به دیگر سخن، مؤلفه‌های بنیادینی که الاهیات آزادی‌بخش را از دیگر جریان‌های الاهیاتی مسیحی متمایز می‌کند، در «مکتب» از نگاه شریعتی مطرح می‌شود. او در تعریف مکتب می‌گوید:

مکتب عبارت است از مجموعه هماهنگ متناسب بینش فلسفی، عقاید مذهبی، ارزش‌های اخلاقی و روش‌های عملی، که در یک ارتباط علت و معلولی با هم یک پیکره متحرک معنادار و دارای جهتی را می‌سازد که زنده است، و همه اندام‌های گوناگونش از یک خون تغذیه می‌کنند و با یک روح زنده‌اند (شریعتی، ۱۳۷۰: ۱۱).

او در ادامه مشخصه‌های مکتب را معنابخشی، جهت‌دهی، تحول‌آفرینی، ایجاد قدرت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و تعهدآفرینی معرفی می‌کند. شریعتی بر متعهد بودن فرد مکتبی تأکید بسیاری داشت و معتقد بود در مکتب، علم، هنر، ادبیات، شعر و ... همه در خدمت تعهد مکتبی است (همان: ۱۱-۱۲).

در تفسیر شریعتی از مکتب، اجزایی چون جهان‌بینی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ایدئولوژی، مدینه فاضله (اوتوپیا) و انسان کامل مطرح شده است. بین این اجزاء، روابط علی و معلولی مشخصی وجود دارد. الاهیات آزادی‌بخش نیز به عنوان یک

مکتب الاهیاتی مسیحی، این پیوند علی و معلولی را بین بخش‌های اصلی‌اش برقرار کرده است.

در مباحث جهان‌شناختی می‌توان گفت، الاهیات آزادی‌بخش، به عنوان مکتبی که ریشه در دین مسیحیت دارد، به حضور خدایی رهایی‌بخش در تاریخ باور دارد. متألهان آزادی‌بخش برخلاف فلاسفه یونان که به خدایی خارج از تاریخ باور داشتند، و برخلاف سنت راست‌گیش مسیحی که تأکید بسیاری بر حلول و تجسد خدا دارد، به خدایی باور دارد که به تدریج در طی زمان وارد تاریخ بشری می‌شود. گوتی‌پرز ایمان در کتاب مقدس را، ایمان به خداوند نجات‌بخشی که در تاریخ حضور دارد، می‌داند (مصطفوی کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۲).

الاهیات آزادی‌بخش، با تلقی خاصی که از انسان دارد، بین خدای مداخله‌گر در تاریخ بشری و انسان فعالی که در تغییر سرنوشت خود می‌تواند نقش‌آفرینی کند، پیوند می‌دهد. پائولو فریره در تعریف انسان، می‌گوید:

انسان بودن همانا داشتن رابطه با دیگران و با جهان است. انسان بودن، تجربه کردن جهان است به مثابه واقعیتی عینی، مستقل از فرد و شناخت‌پذیر. انسان با دنیای خود نقادانه رابطه برقرار می‌کند. او داده‌های عینی واقعیت را (و نیز پیوندهای میان داده‌ها را)، از راه اندیشیدن، ادراک می‌کند، نه اینکه چون حیوانات از راه بازتاب‌گریزی (فریره، ۱۳۶۸: ۲۳).

انسان یگانه، انسان فاعل (کارساز) است. نقطه مقابل او انسان سازش‌یافته، یعنی انسانی منفعل (کارپذیر) است. در واقع سازگاری صورت ضعیف‌شده دفاع از خود است. اگر انسان توانایی تغییر واقعیت را نداشته باشد، ناگزیر خود را سازگار می‌کند (همان: ۲۳-۲۵).

در مباحث جامعه‌شناسی، متألهان آزادی‌بخش از تحلیل‌های اجتماعی مارکسیستی استفاده کرده‌اند و از تفکر مارکس هم به منزله «ابزاری برای تحلیل اجتماعی» و هم برنامه‌ای برای تغییر اجتماع سود جست‌ه‌اند. متألهان آزادی‌بخش با وجود آگاهی از واقعیت جامعه طبقاتی آمریکای لاتین و شکاف طبقاتی گسترده در این منطقه، نگاهی مارکسیستی به جامعه ندارند. این متألهان با طرح بحث گناه ساختاری و همچنین

گزینه‌ش ترجیحی فقرا در پی آن هستند تا زمینه را برای تحولات بنیادی در ساختارهای ناعادلانه جامعه فراهم کنند. از نظر گوتی‌یرز، فقر را نمی‌توان فقط به یک طبقه اجتماعی منحصر و محدود کرد، هر گونه تفسیری که بر اساس آن فقر را فقط به بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی کاهش دهد راه خطا پیموده است، ولی در پیام پروردگار برای فقیر اولویت وجود دارد (مصطفوی کاشانی، ۱۳۷۴: ۷۵).

الاهیات آزادی‌بخش، قرائتی ایدئولوژیک از مسیحیت است. با توجه به دسته‌بندی‌ای که از ایدئولوژی وجود دارد، می‌توان الهیات آزادی‌بخش را جزء ایدئولوژی‌های تغییردهنده به حساب آورد. رادیکال بودن یا اصلاح‌طلبی آن را می‌توان در بررسی دوره‌های تاریخی‌ای که این نهضت دینی پشت سر گذاشته، جست. در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با توجه به حضور فعال نهضت‌های آزادی‌خواه و چریکی در آمریکای لاتین، الهیات آزادی‌بخش به سوی تغییرات بنیادین، انقلابی و زودرس چشم داشت. از این رو است که کاملیو تورس، کشیش انقلابی کلمبیایی، در ضرورت سرلوحه قرار دادن ایدئولوژی دینی می‌گوید:

هرگز نمی‌توانیم بدون داشتن یک جهان‌بینی کامل و یکپارچه به مبارزه‌ای انقلابی دست بزنیم. از این رو هر نوع مبارزه انقلابی که در غرب صورت گیرد ضرورتاً بر جهان‌بینی مسیحی یا بر مبانی نظری مارکسیسم استوار است. افرادی که از این دو ایدئولوژی برکنارند نمی‌توانند واجد شرایط رهبری انقلابی باشند (یوسفیان، ۱۳۶۸: ۹۷).

با فروکش کردن تب انقلابی‌گری در آمریکای لاتین، متألهان آزادی‌بخش نیز تغییر تاکتیک دادند و رهیافتی ایدئولوژیک - اصلاح‌گرایانه در خصوص دین در پیش گرفتند. گوتی‌یرز در نقد ایدئولوژی‌های نظم‌دهنده و محافظه‌کار، و تأیید رهیافت آزادی‌بخش از مسیحیت معتقد بود می‌توان از کتاب مقدس، برداشتی ایدئولوژیک داشت، و برخلاف نظر منتقدان الهیات آزادی‌بخش این کار ساده‌انگاری پیام انجیل، یا انحراف از معنای اصیل آن نیست (Gutierrez, 1974: 271-272).

«اوتوپیا» جامعه‌ای ایدئال است که هر کس در ذهنش می‌پرورد، در دلش آرزو می‌کند و در تلاش آن است که جامعه بشری، به آن صورت دربیاید. همه

فلسفه‌ها، مذهب‌ها و آدم‌ها، «اوتوپیا» در ذهنشان دارند. بهشت در ذهن مذهبی، مدینه فاضله است. «جامعه برین» در یک مکتب، دیگر یک جامعه خیالی نیست، بلکه یک جامعه ایدئال است، جامعه‌ای است که بر اساس یک مکتب باید پی‌ریزی شود و معتقدان به این مکتب، زندگی در آن را یک زندگی انسانی آزاد و ایدئال می‌دانند و تحقق آن را نیز بر روی زمین نه تنها ممکن می‌شمارند، بلکه قطعی می‌دانند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند (شریعتی، ۱۳۷۰: ۲۹-۳۰).

آرمان‌شهری که سنت کاتولیک مسیحی در قالب ملکوت‌الاهی مطرح می‌کند در پایان تاریخ رخ خواهد داد. بنا بر آموزه فیض، انسان در تحقق این وضعیت آرمانی نقشی ندارد، بلکه خداوند با عشق بی‌پایانی که به انسان دارد، هدیه مجانی‌هایی از گناه و رستگاری را به انسان ارزانی می‌دارد (مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۶۳).

این رویکرد به ملکوت‌الاهی، در الاهیات آزادی‌بخش دچار تحولات بسیاری می‌شود. بنا بر باور گوتی‌یرز، مسیحیان در دنیای مدرن برخلاف مسیحیانی که معاصر با عیسی بودند، دنیا را رو به پایان نمی‌بینند. دنیایی که رو به پایان نیست، در آن انتظار تحقق ملکوت‌الاهی بدون نقش فعال انسان امری بیهوده است. از این رو او در تعریف فرآیند آزادی، ملکوت‌الاهی را در پایان چرخه‌ای فرض می‌کند که انسان پیش از آن از ساختارهای ناعادلانه اجتماعی و اقتصادی آزاد شده باشد (Gutierrez, 1974: 118).

۱.۲. معرفی کتاب روایتی از الاهیات‌های بخش: تاریخ، سیاست و رهایی^۱

این کتاب، مهم‌ترین اثر گوستاو گوتی‌یرز و چه بسا کل جریان الاهیات آزادی‌بخش باشد، به گونه‌ای که می‌توان آن را مرام‌نامه الاهیات آزادی‌بخش دانست. این اثر برای نخستین بار در ۱۹۷۴ به زبان اسپانیولی و با عنوان *Teologia de la liberacion, perspectivas* به چاپ رسید و دو سال بعد کاریدد ایندا (Caridad Inda) و جان ایگلسون (John Eagleson) آن را تحت عنوان انگلیسی *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*^۲ ترجمه کردند.

مبانی نظری الاهیات آزادی‌بخش در این کتاب پایه‌ریزی شده است. مباحث بنیادین الاهیات آزادی‌بخش چون آزادی و نجات، نقش انسان در رستگاری خود، خداوند آزادی‌بخش، مسیح آزادی‌بخش و ... در این کتاب بحث و بازتعریف شده‌اند. کتاب

چهار فصل دارد. مؤلف در فصل نخست، تحت عنوان «الاهیات و آزادی»، تفاوت دیدگاه‌های خود با متألهان سنتی را در قالب رهیافت انتقادی به الاهیات بیان می‌کند. نگرش تاریخی و اجتماعی به فرآیند آزادی بشر، نقش فعال انسانی در این فرآیند، رویکرد انتقادی به مسائل بشری و بازتعریف بحث توسعه در این فصل بررسی می‌شود. گوتی‌ریز در فصل دوم به طرح مسئله پرداخته، مبانی و مباحث نظری ضروری برای مسیحیتی نوین در آمریکای لاتین را فراهم می‌آورد. او در رهیافت جدیدش به مسیحیت بین ایمان و حیات اجتماعی مؤمنان مسیحی پیوند قائل می‌شود و ریشه تاریخی تمایز بین ایمان و نقش اجتماعی مؤمنان مسیحی را به تصویر می‌کشد.

پدر معنوی الاهیات آزادی‌بخش، فصل سوم را به نقش کلیسا در فرآیند آزادی فقرای آمریکای لاتین اختصاص می‌دهد. او به شرح اوضاع اجتماعی این قاره در نیمه دوم قرن بیستم می‌پردازد. دهه توسعه‌گرایی، نظریه وابستگی و نهضت‌های آزادی‌بخش، مسائلی است که به منظور بررسی شرایط جوامع این منطقه بحث شده‌اند. گوتی‌ریز پس از مطرح کردن این مباحث، نقش کلیسا در معادلات اجتماعی آمریکای لاتین را مد نظر قرار می‌دهد. تعهد به فقرا و قشرهای آسیب‌پذیر و موضع‌گیری علیه صاحبان قدرت و سیاست‌مداران همسو با نظام سرمایه‌داری، جزء مؤلفه‌های اصلی کلیسای مد نظر الاهیات آزادی‌بخش است.

فصل چهارم کتاب را گوتی‌ریز به مباحث الاهیاتی مهمی چون ایمان و انسان نوین، آزادی و رستگاری، خلقت و نجات بشری، مسیح و آزادی کامل، عیسای آزادی‌بخش، معنویت آزادی‌بخش، ابعاد سیاسی انجیل، عیسی و جهان سیاست، آرمان‌شهر و عمل سیاسی، فقر، تعهد و اعتراض و معانی انجیلی فقر و ... اختصاص داده است.

۲.۲. کتاب‌شناسی با موضوع «مبانی و آموزه‌های بنیادین و تاریخچه الاهیات آزادی‌بخش»

۱. فریره، پائولو (۱۳۶۸). *آموزش شناخت انتقادی*، ترجمه: منصوره (شیوا) کاویانی، بی‌جا: انتشارات آگاه.
۲. مصطفوی کاشانی، لیلی (۱۳۷۴). *پایان صد سال تنهایی: سیری در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌الملل، چاپ اول.

3. Boff, Leonardo; Boff, Clodovis (1987). *Introducing Liberation Theology*, Translated by Paul Burns, New York: Orbis Books.
4. Cadorette, Curt (1988). *From the heart of the People: The Theology of Gustavo Gutierrez*, United states: Meyer-Stone Books.
5. Christopher, Rowland (Editor) (2007). *The Cambridge Companion to Liberation Theology*, Cambridge University Press, Second Edition.
6. Dussel, Enrique (1996). *The Underside of Modernity: Apel, Ricoeur, Rorty, Taylor, and the philosophy of Liberation*, Translated and edited by Eduardo Mendieta, New Jersey: Humanities Press.
7. Sigmund, Paul E. (1990). *Liberation Theology at the Crossroads, Democracy or Revolution?* New York: Oxford University Press, First Published.

مقالات

۱. اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۶). «محراب‌نشینان شورشی: نگاهی به تاریخچه الاهیات آزادی‌بخش»، در: *اخبار ادیان*، ش ۲۳، ص ۶۶-۶۹.
۲. عسگری، یاسر؛ مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۹). «الاهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین؛ ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری»، در: *معرفت ادیان*، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۸.
3. Meagher, P. K. (2003). "Liberation Theology", In: *New Catholic Encyclopedia*, Second Edition, Vol.8, United States: Catholic University of America Press.
4. Muskus, Eddy, "Liberation Theology: Its Origins and Early Development", <http://www.Google.com> Access Date: Jun, 22, 2012.

۳. خدانشناسی در الاهیات آزادی‌بخش

با مقایسه سیمای خدا در عهدین، می‌توان گفت الاهیات آزادی‌بخش تمایل بیشتری به خدای عهد عتیق دارد، خدایی که با دغدغه‌های روزمره قوم خود درگیر است و آنها را در مراحل مختلف زندگی یاری می‌دهد. گوتی‌ریز درباره خدای الاهیات آزادی‌بخش چنین می‌گوید:

خدایی که در کتاب مقدس می‌بینیم، خدای آزادی‌بخش است، او همه اسطوره‌ها و وابستگی‌ها را در هم می‌شکند، خدایی که در تاریخ برای به هم

زدن ساختارهای ناعادلانه به میدان می‌آید، او پیامبران را برای دعوت به راه عدالت و شفقت برمی‌انگیزاند. او خدایی است که بردگان را آزاد می‌کند، او سقوط سلاطین را باعث می‌شود و حامی ستم‌دیدگان است (Ibid.: 116).

الاهیات آزادی‌بخش، برخلاف الاهیات اروپایی، مسئله‌اش این نیست که آیا در این جهان خدایی وجود دارد یا نه، این الاهیات وجود خدا را مسلم فرض می‌کند، اما بحث خود را با این پرسش آغاز می‌کند که به چه خدایی باور داشته باشیم. در پاسخ این الاهیات از خدایی سخن می‌گوید که به آدمی شخصیت می‌دهد و به او کمک می‌کند تا از وضع غیرانسانی و فلاکت‌بارش به در آید (محدثی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

در کتاب *الاهیات انتقادی* به نقل از کتاب *مقدمه‌ای بر الاهیات آزادی‌بخش* برادران بوف می‌خوانیم:

از نظر متألهان آزادی‌بخش، خدا آخرین پیوند در کل زنجیره علیت نیست. خدا در پس همه این علیت‌های فیزیکی و تاریخی، از طریق آنها، در درون آنها عمل می‌کند. خداوند با انسان رابطه اخلاقی دوسویه دارد. مادامی که انسان در برابر خداوند قرار نگیرد، خداوند نیز به آدمی وفادار است اما آنگاه که آدمی در برابر طرح خداوند قد علم می‌کند، با غضب او روبه‌رو خواهد شد. رابطه خدا با جهان نیز رابطه‌ای درونی است نه بیرونی، یا علت و معلولی. میان خدا و جهان یگانگی است و یکپارچگی اما نه همسانی (Boff, 1987: 156-158).

۱.۳. معرفی کتاب *خدای زندگی*^۳

این کتاب را نخستین بار در ۱۹۸۹ انتشارات مؤسسه بارتولومه دلاس کاساس در پرو به زبان اسپانیولی و با عنوان *El dios de la vida* منتشر کرد. متیو جی. اوکانل در ۱۹۹۱ این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه، و انتشارات اوربیس آن را چاپ کرد.^۴

این کتاب سه فصل و نه بخش دارد. عناوین فصل‌ها «خدای عشق»، «ملکوت در وجود تو» و «تحت الهام روح القدس» است. گوتی‌ریز در مقدمه، خدای حیات، خدای کتاب مقدس و تفاوت دیدگاهش درباره خدا با سنت کاتولیک مسیحی و رئوس کلی کتاب را بحث می‌کند. او با اشاره به مقایسه بلز پاسکال بین خدای ادیان و خدای

فلاسفه، مقدمات کار خود را فراهم آورده، خدای کتاب مقدس را رازآلود، خدای عشق، متجلی در تاریخ و ساکن در قلب تک‌تک مؤمنان معرفی می‌کند.

۲.۳. کتاب‌شناسی با موضوع «خدانشناسی در الاهیات آزادی‌بخش»^۵

1. James, M. (1997). *Cone, God of oppressed*, New York: Orbis books.

۴. مسیح‌شناسی در الاهیات آزادی‌بخش

از میان متألهان آزادی‌بخش، لئوناردو بوف، جان سوبرینو، و جان لوئیس سگوندو در حوزه مسیح‌شناسی قلم‌فرسایی کرده‌اند. اندیشه‌ورزی آنها شامل موشکافی‌ها و خرده‌سنجی‌های حداکثری برای شناخت عیسای تاریخی نیست، بلکه بیشتر به اهمیت عیسی به عنوان یک بازیگر تاریخی، پیام او، اعمال او، خصومت و مخالفتی که او برانگیخت، و سرانجام به مرگش ختم شد، توجه دارند. این متألهان در رستاخیز، حمایت خداوند از پیام و عمل مسیح را مشاهده می‌کنند؛ فقط به دنبال زیستن با مسیح در تاریخ نیستند، بلکه به دنبال نیروی تاریخ‌سازی هستند که تاریخ را برای نسل‌های بعد به خصوص دوره کنونی می‌سازد. همچنین به دنبال معرفی قرائتی از عیسای تاریخی انقلابی قرن اول نیستند، بلکه معتقدند در عیسی تمایلات انقلابی وجود داشته است (Meagher, 2003: 547).

متأله آزادی‌بخش در تفسیرش از شخصیت عیسی لازم است، نخست مسیح‌شناسی سنتی را نقد کند. گوتی‌پرز الاهیات سنتی را به دلیل نمادین کردن مسیح در طول تاریخ شماتت می‌کند و معتقد است این‌گرایش، مسیح را به نمادی ورای تاریخ عرفی بشری تبدیل کرده است. عیسی در این نگاه کاری به زندگی عادی انسان‌ها و دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی آنها ندارد. در این رهیافت کلیسا نیز به عنوان نویددهنده ملکوت آسمانی در پایان تاریخ مجسم می‌شود. این مسیح‌شناسی و ساختار کلیسایی انتزاعی در مبارزه با ساختارهای ناعادلانه اجتماعی، محافظه‌کار و بی‌ضررند، زیرا سخنان بنیان‌برانداز عیسی را خنثا کرده‌اند. کلیسا نیز با تسلی خاطر دروغینی که درباره پادشاه بهشت می‌دهد، به سنگری سست برای مردم ستم‌دیده تبدیل شده است (Ibid.: 116).

گوتی‌پرز، مسیح‌شناسی صرفاً معنویت‌گرا را نقد می‌کند. او در پی معرفی عیسایی نجات‌بخش است، که هم آزادی دنیوی انسان را دنبال می‌کند و هم بر آزادی انسان از گناه و ایجاد زمینه‌های ملکوت الهی تأکید دارد. گوتی‌پرز درباره سیمای معنوی مسیح در الاهیات سنتی می‌گوید:

در الاهیات سنتی عیسای کشیش، به گونه‌ای کلیشه‌ای درآمد، به طوری که این رهیافت برای شرح هر عمل عیسی به دنبال معانی الاهیاتی است. زندگی عیسی حیاتی انسانی نیست، بلکه در تاریخ زندگی الاهیاتی او به عنوان یک نماد مطرح است. اعمال مسیح، همانند نماد، زمینه بشری‌اش را از دست می‌دهد و به عنوان نماد عالم متعالی و غیب درمی‌آید. این گونه است که حیات عیسی خارج از تاریخ واقع می‌شود و در رقابت با نیروهای واقعی قرار نمی‌گیرد (Gutierrez, 1974: 226).

مسیح در الاهیات آزادی‌بخش، شخصیت تک‌بعدی ندارد. او دیگر صرفاً آزادی معنوی انسان را دنبال نمی‌کند. مسیح در این مکتب، با نظام ایدئولوژیک جامعه‌اش درمی‌افتد. عیسی در جامعه‌ای می‌زیست که تضاد طبقاتی سفت و سختی بر آن حاکم بود. طبقه‌ای خاص در اورشلیم خودشان را وارث حکومت سیاسی و حتی اخلاقی بر مردم می‌دانستند. بدترین چیز آن بود که آنان برای توجیه تقدس‌مآبی ظالمانه‌شان، تعریفی ایدئولوژیک از خدا مطرح می‌کردند. برای مسیح این نهایت گناه بود، زیرا خدا را به باج‌گیر طبقه حاکم تبدیل می‌کرد. ملکوت الهی‌ای که او موعظه می‌کرد چنین بت‌پرستی‌ای را محکوم می‌کرد. این نقدی اساسی به همه مراتبی بود که به عشق رایگان الهی به همه ابنای بشر بدون هیچ تمایزی، آشکارا توهین می‌کرد. عیسی پیام انتقادی و عدالت‌خواهانه‌ای را موعظه کرد که تمام پیش‌فرض‌هایی را که با دولتی ظالم و نظامی پیوند می‌یابد محکوم کرد (Cadorette, 1988: 119).

۱.۴. معرفی کتاب عیسی در آمریکای لاتین^۶

الاهیات آزادی‌بخش، در بحث مسیح‌شناسی بسیار مدیون تأملات و اندیشه‌ورزی‌های

جان سوبرینو است. او آثار متعددی در این موضوع نگاشته، که یکی از آنها همین کتاب است. دیگر آثار او در این زمینه عبارت است از:

- *Jesus the Liberator: A Historical-Theological Reading of Jesus of Nazareth*

- *Christ the Liberator A View from the Victims*

- *Christology at the Crossroads*

عیسی در آمریکای لاتین کتابی است ۱۸۷ صفحه‌ای، در سه فصل و هشت بخش که در آن مؤلف رویکردی متفاوت با سنت کاتولیک در خصوص شخصیت اول مسیحیت در پیش می‌گیرد. جان سوبرینو در توصیف عیسای الاهیات آزادی‌بخش، بر مسیح تاریخی تأکید می‌ورزد، به این معنا که واقعیت تاریخی اعمال خداوند بر زمین، تجسد او در شخص عیسای ناصری است. الاهیات سوبرینو بر سه اصل استوار است: مسیح‌شناسی، ملکوت خداوند و شهادت. او در دیباچه کتاب به دوره جدیدی اشاره می‌کند که در آن مسیح‌شناسی آمریکای لاتین نیازمند بازنگری است. این دوره در نیمه دوم سده بیستم با شکل‌گیری شوراهای بین‌المللی کلیسایی آغاز شده است.

مسیح‌شناسی سوبرینو با نگاهی زمینی بنا می‌شود و از معرفت به عیسای انسان کامل که بر صلیب کشیده شده پیروی می‌کند. در این نوع مسیح‌شناسی، سوبرینو به نقد رهیافت‌هایی می‌پردازد که بر عیسای الهی صرف استوارند. او کشیشی کاتولیک است، از این رو در طرح مسیح‌شناسی خود نخست به باور جزمی شورای کالدون، که عیسی را انسانی با ماهیت الهی معرفی می‌کند، اشاره دارد، سپس این رویکرد را در تبیین مسیح‌شناسی‌اش کاملاً نامناسب می‌بیند. یکی از مشکلات بسط این نوع مسیح‌شناسی ابتدای آن بر اصول انتزاعی است. گنگ و نامفهوم بودن مفاهیمی چون «ماهیت» و «ذات» نیز دیگر مشکلاتی است که متأله در شرح و بسط این رهیافت با آن روبه‌رو است. از این رو سوبرینو بر این نکته تأکید می‌کند که یهوه خدای عهد عتیق و عیسای ناصری وجودی عینی و محسوس هستند که با اعمالشان برای انسان‌ها شناخته می‌شوند. مفهوم «آشنایی» عنصری کلیدی در الاهیات سوبرینو است.

۲.۴. کتاب‌شناسی با موضوع «مسیح‌شناسی در الاهیات آزادی‌بخش»

1. José María Vigil (Organizer) (2007). *Getting the Poor Down From the Cross: Christology of Liberation*, International Theological Commission of the EATWOT (Ecumenical Association of Third World Theologians).

2. Sobrino, Jon (1978). *Christology at the Crossroads*, Maryknoll: Orbis Press.
3. _____ (1979). "Jesus' Relationship with the Poor and Outcasts: It's Importance for Fundamental Moral Theology", *Concilium*, 130: 12-20.
4. _____ (1993). *Jesus the Liberator*, Maryknoll: Orbis Press.
5. Waltermire, Donald E. (1993). *The Liberation Christologies of Leonardo Boff and Jon Sobrino: Latin American Contributions to Contemporary Christology*, Lanham MD: University Press of America.

۵. کلیساشناسی در الاهیات آزادی بخش

متألهان آزادی بخش، در اولین گام به نقد رفتاری کلیسای نهادی کاتولیک پرداختند و کمتر ماهیت کلیسا و نقش آن در نجات مؤمنان را به چالش کشیدند. روی سخن آنها بیشتر سمت و سوی کلی سیاست‌های کلیسایی بود. به نظر متألهان آزادی بخش، کلیسای کاتولیک بر سر یک دوراهی قرار گرفته است، یا باید خود را در کنار اکثریت استثمارشده قرار می‌داد، یا همبستگی معنوی خود را با گروه خاندان‌های حاکم حفظ می‌کرد. یا باید کلیسای واقعی عینی می‌بود، یا اینکه فقط ظاهری از تشکیلات کلیسای مسیحی را ترتیب می‌داد، که در آن صورت به هیچ وجه کلیسای واقعی نبود (گیر برانت، ۱۳۶۷: ۴۶).

متألهان آزادی بخش، پس از نقد کلیسای نهادی، گروه‌های مردمی و کوچکی ترتیب دادند که بعداً کلیساهای پایه نام گرفتند. هدف کلیساهای پایه، برقراری ارتباط بین کتاب مقدس و زندگی روزمره اعضای آنها بود. آنها چیزی «شبه کلیسا» به شمار می‌آیند، فارغ از هر گونه سلسله‌مراتب کلیسایی (عسگری و مریجی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). لئوناردو بوف در مقایسه کلیسای نهادی و کلیساهای پایه می‌گوید:

چارچوب سلسله‌مراتب کلیسای رسمی - در مقایسه با سلسله‌مراتب در کلیساهای پایه - ارتباطی است به نسبت مکانیکی. کلیساهای پایه از نظر حکمت الاهی، نمایانگر تجربه نوینی درباره ماهیت راستین کلیسا هستند که حضور آنها در عصر حاضر ضروری است. احساس همکاری، مشارکت با الهام از آرمان‌های انجیل و تساوی مرتبه و مقام در میان شرکت‌کنندگان، با روابط خشک و خالی و تجویز شده فرق دارد. در کلیساهای پایه مناصب و عناوین مطرح نیستند (مصطفوی کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

شکل‌گیری کلیساهای پایه به معنای نفی جایگاه کلیسای نهادی نبود. این کلیساها کارکرد خاص خود را داشتند، در عین حال با کلیسای نهادی ارتباط برقرار می‌کردند. لئوناردو بوف درباره ارتباط کلیساهای پایه با کلیسای نهادی می‌گوید:

کلیساهای پایه نمی‌توانند از کلیساهای رسمی و نهادینه بی‌نیاز باشند. گرچه همواره به جنبه‌های سیاسی این کلیساها توجه شده است، ولی آنها از نظر تبلیغ برای رسالت کلیسا به طور عام نقش مهمی داشته‌اند. بسیاری از مردم از همین طریق ایمان مسیحی خود را تداوم و تحکیم بخشیده‌اند و بدین جهت چون فضای دینی در آمریکای لاتین مسلط است، کلیسای رسمی با جلب قلوب قشرهای پایین‌تر، پایگاه خود را همچنان حفظ خواهد کرد. و این نوعی مسیحی کردن از پایین و پایه است (همان: ۱۶۶).

۵.۱. کتاب‌شناسی با موضوع «کلیساشناسی الاهیات آزادی‌بخش»^۷

۱. گیر برانت، آلن (۱۳۶۷). *کلیسای انقلابی*، ترجمه: پرویز هوشمندراد، تهران: انتشارات شباوینز، چاپ اول.
۲. یوسفیان، جواد (۱۳۶۸). *کلیسای شورشی*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
3. Boff, Leonardo (1997). *Ecclesiology: The Base Communities Reinvent the Church*, Maryknoll: Orbis press.
4. *Church: Charism and Power: Liberation Theology and the Institutional Church* (1986). Translated by John W. Diercksmeier, New York: Crossroad.
5. Segundo, Juan Luis (1985). *Theology and the Church: A Response to Cardinal Ratzinger and a Warning to the Whole Church*, Translated by John W. Diercksmeier. Minneapolis: Seabury.

۶. هرمنوتیک کتاب مقدس در الاهیات آزادی‌بخش

متألهان آزادی‌بخش، مانند هر الاهی‌دان دیگری، با پیش‌فرض‌های خاص خود سراغ کتاب مقدس می‌روند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین این پیش‌فرض‌ها برنامه‌ای کاربردی است که متأله با بررسی فقرات مختلف کتاب مقدس باید بدان دست یابد. عدالت‌خواهی، اصلاح‌طلبی و حمایت از فقرا و طبقات ستم‌دیده، دیگر ویژگی‌هایی

است که در این برنامه گنجانده می‌شود. از این رو است که لئوناردو بوف در شرح هرمنوتیک کتاب مقدس می‌گوید:

هرمنوتیک کتاب مقدس به برنامه کاربردی توجه دارد تا یک تفسیر. در این هرمنوتیک، کتاب مقدس به عنوان کتاب زندگی خوانده می‌شود نه کتاب قصه‌های عجیب. معنای تحت‌اللفظی آیات نیز در خدمت کارکرد عملی آنها قرار می‌گیرند (Boff, 1987: 34).

بوف در تبیین ویژگی‌های هرمنوتیک آزادی‌بخش معتقد است هرمنوتیک آزادی‌بخش در پی مکشوف ساختن و فعال کردن نیروی تحول‌آفرین متون انجیلی است و تحول در دو سطح فردی (تغییر کیش: conversion) و اجتماعی، تغییر تاریخ (انقلاب: revolution) را دنبال می‌کند. او این رهیافت به کتاب مقدس را قرائتی تعصب‌آلود و ایدئولوژیک نمی‌داند و معتقد است دین انجیلی، دینی باز و پویا است که به مؤلفه‌های موعودباورانه و آخرت‌شناسانه توجه دارد (Ibid.: 34).

متألهان آزادی‌بخش، بر اساس هرمنوتیکی که به طور خلاصه به آن اشاره شد، سراغ بخش‌های خاصی از کتاب مقدس می‌روند. ایشان تأکید بسیاری بر سفر خروج، سفر پیامبران، اناجیل، اعمال رسولان و مکاشفه دارند (Ibid.: 35). از آن رو به سفر خروج استناد داده می‌شود، که حماسه آزادی‌سیاسی دینی توده‌ای از بردگان را بازگو می‌کند، آزادی از طریق نیروی میثاق با خدا، خلق خدا شدن. سفر پیامبران به دلیل مقابله انعطاف‌ناپذیرشان برای خدای آزادی‌بخش، تقبیح شدید بی‌عدالتی، حمایت مجدد از حقوق فقرا، اعلانشان درباره دنیای موعود، در کانون توجه قرار می‌گیرد. اهداف الاهیات آزادی‌بخش در استناد به انجیل، اعمال رسولان و مکاشفات را می‌توان چنین شرح داد: اناجیل به صراحت، بر مسلم بودن شخصیت الوهی عیسی تأکید دارند و نویددهنده ملکوت و اعمال آزادی‌بخش هستند و بر مرگ و رستاخیز عیسی به عنوان معنای نهایی تاریخ تأکید می‌کنند؛ اعمال رسولان، برای اینکه ایده‌های جامعه مسیحی آزاد و آزادی‌بخش را به تصویر می‌کشد؛ مکاشفات، در قالب اصطلاحات به هم پیوسته و نمادین، تلاش بی‌پایان خلق خدا در برابر طاغوت‌های تاریخ را به تصویر می‌کشد (Ibid.).

۶.۱. کتاب‌شناسی با موضوع «هرمنوتیک الاهیات آزادی‌بخش»^۸

1. Baker, Christopher J. (1991). *SSC. Covenant and Liberation: Giving New Heart to God's Endangered Family*, New York: Peter Lang.
2. Croatto, J. Severino (1983). "Biblical Hermeneutics in the Theologies of Liberation," In: *Irruption of the Third World; Challenge to Theology*, Edited by Virginia Fabella and S. Torress, Maryknoll: Orbis Press, pp. 140-168.
3. Ewing, Ward (1990). *The Power of the Lamb: Revelation's Theology of Liberation for You*, Cambridge (MA): Cowley Publications.
4. Gottwald, Norman K. (Ed.) (1983). *The Bible and Liberation: Political and Social Hermeneutics*, Maryknoll: Orbis Books.
5. Lebacqz, Karen (1987). *Justice in an Unjust World: Foundations for a Christian Approach to Justice*, Minneapolis: Augsburg.
6. Lohfink, Norbert (1987). *Option for the Poor: The Basic Principle of Liberation Theology in Light of the Bible*, Berkeley: BIBAL Press.
7. Mesters, Carlos (1989). *Defenseless Flower: A New Reading of the Bible*, Translated by Francis McDonagh, Maryknoll: Orbis Books.
8. Nakanose, Shigeyuki (1993). *Josiah's Passover: Sociology and the Liberating Bible*, Bible & Liberation Series, Maryknoll: Orbis Press.

۷. عدالت اجتماعی در الاهیات آزادی‌بخش

الاهیات آزادی‌بخش با تمرکز بر پنج حوزه سعی دارد تعهد خود به عدالت و کنار زدن ساختارهای ناعادلانه را تحقق بخشد. ساختار طبقاتی، تبعیض جنسیتی، نژادپرستی، تکنولوژی‌محوری و نظامی‌گری این حوزه‌ها هستند. متأله آزادی‌بخش در پس این تمرکز، بیهودگی و پوچی نظریات و حتی روش‌های موجود در کنار زدن نابرابری‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. الاهی‌دان آزادی‌بخش، ضمن اشاره به قربانیان مدرنیته، ایده مدرن عقلانیت‌گرایی صرف را کنار می‌زند، و ایده دین خالص را مطرح می‌کند.^۹ الاهیات آزادی‌بخش در مقابل با تقدس‌گرایی، بر بسیاری از انحرافات ایدئولوژیک از ایمان مسیحی که مشروعیت‌بخش قدرت‌های حاکم هستند، انگشت می‌نهد تا عوامل به بردگی کشیدن فقرا، زنان و نژادهای غیراروپایی را تبیین کند

الاهیات آزادی‌بخش، در تحقق عدالت، عملاً به سوی جنبش‌های چپ‌گرا و سوسیالیست گرایش پیدا کرده است. جست‌وجوی آرمان‌شهر بشری در سایه ایده‌های سوسیالیستی، روشی بود که نسل نخستین متألهان آزادی‌بخش در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی دنبال می‌کردند.

۱.۷. کتاب‌شناسی با موضوع «عدالت اجتماعی الاهیات آزادی‌بخش»

1. Antoncich, Ricardo, S. J. (1987). *Christians in the Face of Injustice: A Latin American Reading of Catholic Social Teaching*, Translated by Matthew J. O'Connell, Maryknoll: Orbis Press.
2. Ateek, Naim Stifan (1989). *Justice and only Justice: A Palestinian Theology of Liberation*, Maryknoll: Orbis Books.
3. Donahue, John R., S. J. (1977). "Biblical Perspectives on Justice," In: *The Faith That Does Justice: Examining the Christian Sources for Social Change*, Edited by John C. Haughey, S. J., New York: Paulist Press.
4. Garcia, Ismael (1987). *Justice in Latin American Theology of Liberation*, Atlanta: John Knox Press.
5. Hennelly, Alfred T., S. J. (1995). *Liberation Theologies: The Global Pursuit of Justice*, Mystic, CT: Twenty Third Publications.
6. Lebacqz, Karen (1987). *Justice in an Unjust World: Foundations for a Christian Approach to Justice*, Minneapolis: Augsburg.
7. Lebacqz, Karen (1986). *Six Theories of Justice: Perspectives from Philosophical and Theological Ethics*, Minneapolis: Fortress Press.
8. O'Keefe, Mark, O.S.B. (1990). *What Are They Saying About Social Sin?* New York: Paulist Press.

۸. معنویت، اخلاق و آزادی در الاهیات آزادی‌بخش

از آنجایی که دغدغه‌های نسل اول متألهان آزادی‌بخش در خصوص مسائل اجتماعی و ایجاد جبهه ایدئولوژیک علیه ساختارهای سیاسی- اجتماعی ناعادلانه جهانی بود، منتقدان، این نهضت دینی را به معنویت‌گریزی و به دست دادن قرائتی صرفاً سیاسی از دین متهم می‌کردند. از این رو با گذشت زمان، الاهی‌دانان آزادی‌بخش نظرورزی در

حوزه معنویت و اخلاق را مد نظر قرار دادند. الاهیات آزادی‌بخش از دهه دوم عمر شصت‌ساله خود، در هر مقطع تاریخی کتاب‌هایی درباره معنویت، اخلاق و آزادی معنوی را به خود دیده است.

۸.۱. معرفی کتاب ما از چشمه خودمان می‌نوشیم: سفر معنوی جمعی از خلق خدا^{۱۰}

نخستین نسخه از این کتاب در ۱۹۸۳ و مانند دیگر آثار گوتی‌ریز به زبان اسپانیولی و تحت عنوان *Beber in su propio pozo* در پرو منتشر شد، و یک سال بعد مترجمان انتشارات اوربیس آن را به زبان انگلیسی برگرداندند. این کتاب به بحث معنویت‌گرایی در الاهیات آزادی‌بخش می‌پردازد.

مؤلف در بخش نخست کتاب در توصیف زمینه‌های اجتماعی آمریکای لاتین به فقر به عنوان ابزاری برای مرگ غیرعادلانه و زود هنگام و همچنین مرگ فرهنگی اشاره می‌کند که از سرکوبی صاحبان قدرت ناشی می‌شود. درک جدید فقرا از خود، به جایی می‌رسد که آنها خود را صاحب قدرت برای تغییر اوضاع و حرکت در مسیر آزادی و پیروی از مسیح ببینند.

بخش دوم اثر رو به سوی کتاب مقدس دارد، او درکی تثلیثی از حیات معنوی به دست می‌دهد که با شخص مسیح آغاز می‌شود و با روح‌القدس ادامه می‌یابد و به سوی پدر پایان می‌پذیرد. گوتی‌ریز با نگاهی که به اناجیل دارد، مکاشفه خداوند را بسان چشمه‌ای توصیف می‌کند که معنویت از آن سرازیر می‌شود. برای سالک مبتدی، این مواجهه با پیروی از عیسی و تحت تعلیم قرار گرفتن روح‌القدس آغاز می‌شود. او سعی دارد مبحث پولسی «گام نهادن بر اساس روح» را با تمایز بین معانی متکثر جسم، روح و بدن در الاهیات پولسی، بسط دهد. مسیحیان متحد در جسم عیسی، جماعتی را تشکیل می‌دهند که در طلب خداست. خروج قوم از مصر در طلب آزادی، کهن‌الگویی است برای طالبان حق که در قالب جنبش‌های آزادی‌بخش فعالیت می‌کنند.

در بخش سوم کتاب، گوتی‌ریز پنج مؤلفه این معنویت آزادی‌بخش را شرح می‌دهد: تغییر کیش، رایگان بودن، بهجت، معصومیت کودکانه، جامعه معنوی. تغییر کیش با

روی گردانی از گناه چه در سطح فردی و چه در بعد اجتماعی آن آغاز و جماعت مؤمنان را متحد می‌کند؛ اتحادی که اعتراض به ساختارهای ناعادلانه‌ای را که به فقر دامن می‌زنند، در پی دارد. این اعتراض پاسخ به عشق رایگان الهی است. تجربه عشق رایگان الهی انگیزه‌ای است برای اعتراض به فقر ناعادلانه. در بحبوه رنج و شهادت، این گروه از مسیحیان به بهجت عید پاک نائل می‌شوند. گوتی‌یرز آزادی و توکل آنها به خداوند را به معصومیت کودکانه تشبیه می‌کند. آخرین مؤلفه این معنویت، اجتماعی بودن آن است که او بر آن تأکید می‌ورزد.

مؤلف بر دیباچه چاپ بیستم کتاب مطالبی افزوده است که توجه او به دو زمینه را نشان می‌دهد؛ نخست ارتباط بین معنویت و الاهیات، و دیگری ماهیت خدامحور اولویت‌بخشی به فقرا.

۸.۲. کتاب‌شناسی با موضوع «معنویت، اخلاق و آزادی در الاهیات آزادی‌بخش»

1. Bonino, José Miguez (1983). *Toward a Christian Political Ethics*, Philadelphia: Fortress Press.
2. De La Torre, Miguel A. (2004). *Doing Christian Ethics from the Margins*, Maryknoll: Orbis Books.
3. Dussel, Enrique (1978). "Discernment: A Question of Orthodoxy or Orthopraxis?", *Concilium*, 119: 47-60.
4. _____ (1985). *Philosophy of Liberation*, Translated by Aquilina Martinez and Christine Morkovsky, Maryknoll: Orbis Press.
5. Kammer, Charles L. III. (1988). *Ethics and Liberation: An Introduction*, Maryknoll: Orbis Books.
6. Keeling, Michael (1990). *The Foundations of Christian Ethics*, Edinburgh: T. & T. Clark.
7. McAuliffe, Patricia (1993). *Fundamental Ethics: A Liberationist Approach*, Washington D.C.: Georgetown University Press.

۹. نقد الاهیات آزادی‌بخش

منتقدان الاهیات آزادی‌بخش را می‌توان به دو گروه منتقدان درونی و بیرونی تقسیم

کرد. منتقدان درونی‌انتهایی هستند که از موضع دینی و با دغدغه‌های الاهیاتی به نقد این مکتب می‌پردازند. واتیکان و روحانیت محافظه‌کار کاتولیک از این دسته‌اند. گروه دوم از منتقدان الاهیات آزادی‌بخش کسانی هستند که دغدغه دینی ندارند، یا به عبارت دیگر در مقام الاهی‌دان به نقد الاهیات آزادی‌بخش نمی‌پردازند. این گروه بیشتر شامل اندیشمندان علوم انسانی، جامعه‌شناسان، اساتید علوم سیاسی و اقتصاددانان می‌شود. بسیاری از کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم با اندیشه‌های لیبرال سرمایه‌داری ارتباط دارند، یا دل در گرو این نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بسته‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند (نماینده نیاسر، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

نقدهایی را که تاکنون بر الاهیات آزادی‌بخش وارد شده است می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد؛ نقدهای درونی و نقدهای بیرونی. نقدهای درونی را نیز می‌توان به دو دسته ساختاری و غیرساختاری تقسیم کرد. نقدهای ساختاری آن نقدهایی هستند که در الاهیات آزادی‌بخش به عنوان یک مجموعه به‌هم‌پیوسته از مبانی، باورها و اهداف، تشکیک می‌کنند. به عبارت دیگر، برآیند الاهیات‌ورزی متألهان آزادی‌بخش را قبول ندارند و قرائت آزادی‌بخش از مسیحیت را دربردارنده اشتباهات بسیار و نتایج خطرناک می‌دانند. نقدهای غیرساختاری نیز به نقدهایی اشاره دارد که به طور جزئی، برخی از اصول فکری، باورها و روش‌های الاهیات آزادی‌بخش را به نقد می‌نشینند. نقدهای ساختاری را می‌توان به دو دسته نقد الاهیات آزادی‌بخش به عنوان رویکردی تحویل‌گرایانه از دین و نقد الاهیات آزادی‌بخش به عنوان رویکردی التقاطی دسته‌بندی کرد. بر این مبنا سیاست‌زدگی، ایدئولوژیک بودن، عرفی‌گرایی، داشتن نگرش طبقاتی و مادی‌گرایی نقدهایی است که در دسته نخست و مارکسیستی بودن نیز در دسته دوم جای می‌گیرند (همان: ۱۵۸-۱۶۲).

از سوی دیگر، نگاه پلاگیوسی به نجات و نقد هرمنوتیک الاهیات آزادی‌بخش را می‌توان در دسته نقدهای غیرساختاری قرار داد. تحلیل نادرست ریشه‌های فقر، سکوت در برابر ضعف‌های نظام سوسیالیستی، گزینشی عمل کردن در نقد اجتماعی و اولویت دادن به فقرزدایی نقدهایی است که اندیشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به الاهیات آزادی‌بخش وارد کرده‌اند و در گروه نقدهای بیرونی قرار می‌گیرند (همان: ۱۶۲-۱۶۶).

۹.۱. معرفی کتاب الاهیات رهایی بخش پس از پایان تاریخ: جواب رد به تمام شدن رنج^{۱۱}

دانیل بل، نظریه پرداز پایان عصر ایدئولوژی، و مؤلف این کتاب،^{۱۲} در ۴ فصل طرح بحث می کند. فصل نخست کتاب با عنوان «خزیدن بی پایان مار، سرمایه داری، خواستن و شکل حکومت»، درباره سرمایه داری و نتایج آن نظوروزی می کند. او در این فصل به سه رهیافت معاصر درباره سرمایه داری اشاره دارد. نخست نظریه ای است که بر غلبه سرمایه داری بر رقبایش تأکید دارد. هینکلامرت کسی است که بر این دیدگاه است. بر اساس این نظر، سرمایه داری وحشی بر نظم جهانی استیلا می یابد و کشورهای جهان سوم نمی توانند در برابر قدرت سرمایه داری دوام بیاورند. این نظریه، دیدگاه غالب دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی بود. در دهه ۱۹۷۰ نظریه ای دیگر در حوزه سرمایه داری ظهور پیدا کرد که از آن با عنوان سرمایه داری آزاد یاد می شود. این آغاز دوره سرمایه داری کامل میلتون فریدمن بود، اقتصاد نئولیبرال و تنظیمات ساختاری، عدم مداخله، ضد اصلاحات و ضد پوپولیست بودن مؤلفه های اساسی این نوع سرمایه داری هستند. رونالد ریگان و مارگارت تاچر نمادهای این نوع سرمایه داری محسوب می شوند. یکی دیگر از رویکردهای رایج به سرمایه داری عریان، سرمایه داری سلطه گر غیردولتی است. در مقایسه با دو گونه پیشین سرمایه داری، که نقش نظم دهنده دولت را به رسمیت می شناخت و بدان اذعان داشت، سرمایه داری سلطه گر، هر گونه دخالت دولت در بازار را بر نمی تابد. این سبک سرمایه داری در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در آمریکای لاتین و در قالب دولت های نظامی ملی گرا به قدرت رسید. حکومت پینوشه در شیلی یکی از این دولت هاست. مؤلف با پرداختن به سویه های مختلف نظام سرمایه داری در سیاست، نحوه حکومت داری، شیوه های نظارت بر دولت، نظریه های دولت و تکنولوژی قدرت و ... این فصل را به پایان می برد.

دانیل بل در فصل دوم با عنوان «کلیسای فقرا در پی غلبه بر سرمایه داری» زمینه های چالش الاهیات آزادی بخش با نظام سرمایه داری را بیان می کند. او در این فصل تحت عناوینی چون «بحران در تفکر آزادی خواهان آمریکای لاتین»، «ریشه های مسیحیت جدید در آمریکای لاتین»، «از اصلاحات تا انقلاب»، «رشد و نمو الاهیات آزادی بخش»، «بحران مسیحیت جدید»، «از انقلاب تا جامعه متمدن: آزادی خواهان در پایان تاریخ»،

«از آزادی تا اسارت ... از بحران تا جامعه متمدن» و ... سویه‌های خشونت‌بار و انقلابی الاهیات آزادی‌بخش را به چالش می‌کشد و به طور مبنایی ادعاهای متألهان آزادی‌خواه را با نظریه‌های سرمایه‌داری مقایسه می‌کند.

فصل سوم کتاب «مسیحیت، میل و ترور عدالت» نام دارد. مؤلف با بررسی نظریه عدالت کاتولیک و مباحث نظری درباره عدالت، دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه متألهان آزادی‌بخش را به چالش می‌کشد.

بل در فصل چهارم کتاب با عنوان «امتناع از پایان درد و سختی: فراموشی و آزادی امیال» مباحثی مربوط به نجات، عدالت، لطف الهی و ... را مد نظر دارد.

۲.۹. کتاب‌شناسی با موضوع «نقد الاهیات آزادی‌بخش»

1. Nash, Ronald (ed.) (1948). *Liberation Theology*, Michigan: Mott Media publishers.
2. Ratzinger, Joseph, *Liberation theology*, <http://www.christendom-awake.org/pages/ratzinger/liberationtheol.htm>, Access Date: Jun, 10, 2012.
3. Woudstra, Marten H. (1990). "A Critique of Liberation Theology by A Cross-Culturalized Calvinist", *JETS* 23/1, pp. 3-12.

پی‌نوشت‌ها

1. *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*
2. Gutierrez, Gustavo (1974). *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*, translated by: Caridad Inda and John Eagleson, London SCM Press Ltd.
3. *The God of Life*.
4. Gutierrez, Gustavo (1991). *The God of Life*, Translated by Matthew J. O, Connell: Orbis Books.
5. تقریباً بیشتر آثار متألهان آزادی‌بخش، بخشی را به خداشناسی اختصاص داده‌اند، با وجود این، کتاب در دسترس که به طور خاص به این موضوع می‌پردازد در این بخش معرفی شده است.
6. Sobrino, Jon (1987). *Jesus in Latin America*, Maryknoll: Orbis Books.
7. به علت دسترسی نداشتن به آثار لاتین، برخی از بخش‌ها از جمله این بخش، کتاب‌شناسی توصیفی ندارد.
8. علاقه‌مندان به الاهیات آزادی‌بخش، برای آشنایی با کتب و مقالاتی بیشتر درباره هرمنوتیک، عدالت اجتماعی، معنویت و اخلاق و آزادی در این مکتب می‌توانند به این مقاله مراجعه کنند:

- Bretzke, James T., S. J (2012). "Liberation Theology Bibliography", available at: <https://www2.bc.edu/james-bretzke/LiberationTheologyBibliography.pdf>, Access Date: June, 11, 2015.
۹. البته این به معنای بنیادگرایی این نهضت دینی نیست.
10. Gutierrez, Gustavo (1984). *We Drink from Our Own Wells: The Spiritual Journey of a People*, Maryknoll: Orbis Press.
11. Daniel M. Bell (2005). *Liberation Theology after the End of History: The refusal to Cease Suffering*, Routledge Press.

منابع

- اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۶). «محراب‌نشینان شورشی: نگاهی به تاریخچه الاهیات آزادی‌بخش»، در: *اخبار ادیان*، ش ۲۳، ص ۶۶-۶۹.
- شریعتی، علی (۱۳۷۰). *اسلام‌شناسی (۱)*: مجموعه آثار ۱۶، تهران: انتشارات قلم، چاپ دوم.
- عسگری، یاسر (۱۳۸۸). «مسیحیت در آمریکای لاتین: از آغاز تاکنون»، در: *نقد و نظر*، ش ۵۶، ص ۱۵۶-۱۸۲.
- عسگری، یاسر؛ مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۹). «الهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین؛ ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری»، در: *معرفت ادیان*، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۸.
- فریره، پائولو (۱۳۶۸). *آموزش شناخت انتقادی*، ترجمه: منصوره (شیوا) کاویانی، بی‌جا، انتشارات آگاه.
- گیر برانت، آلن (۱۳۶۷). *کلیسای انقلابی*، ترجمه: پرویز هوشمند راد، تهران: انتشارات شب‌اویز، چاپ اول.
- محدثی، حسن (۱۳۸۸). *الهیات انتقادی: رویکردی بدیل اما ناشناخته*، تهران: نشر یادآوران، چاپ اول.
- مصطفوی کاشانی، لیلی (۱۳۷۴). *پایان صد سال تنهایی: سیری در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۶۷). *کلیاتی درباره الاهیات رهایی‌بخش*، تهران: مؤسسه بین‌المللی کتاب، چاپ اول.
- مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴). *درس‌نامه الاهیات مسیحی (شاخصه‌ها، منابع و روش‌ها)*، ترجمه: بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- نماینده نیاسر، مجتبی (۱۳۹۲). *الهیات آزادی‌بخش: زمینه‌ها، مبانی، اعتقادات، اهداف و تحولات فکری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان.
- یوسفیان، جواد (۱۳۶۸). *کلیسای شورشی*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- Boff, Leonardo; Boff, Clodovis (1987). *Introducing Liberation Theology*, Translated by Paul Burns, New York: Orbis Books.
- Cadorette, Curt (1988). *From the Heart of the People: the Theology of Gustavo Gutierrez*, United States: Meyer-stone Books.
- Gutierrez, Gustavo (1974). *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*, translated by Caridad Inda and John Eagleson, London: SCM Press Ltd.
- Lamb, Matthew L. (1985). "Liberation Theology and Social Justice", *Process Studies*, Vol. 14, Number 2, summer, pp. 102-122.
- Meagher, P. K. (2003). "Liberation Theology", In: *New Catholic Encyclopedia*, Second Edition, Vol. 8, United States: Catholic University of America Press.